

## تحقیق در زبان کتاب النقص شیخ عبدالجلیل رازی تصحیح استاد مرحوم دکتر میرجلال‌الدین محدث ارموی

• دکتر علی‌اشرف صادقی  
استاد دانشگاه تهران

فارسی رسمی تفاوت عمیقی نداشته است. شس قیس مؤلف کتاب «المعجم» که خود رازی بوده دربارهٔ زبان اشعار بِنْدَار رازی می‌نویسد: «زبان او به لغت دری نزدیک‌تر از فهلوی است». (المعجم به چاپ مدرس رضوی، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۷۵) این زبان با زبان شهرهای اطراف مثل قم و قزوین و غیره از یک خانواده بوده است. نمونه‌هایی که از زبان مردم قزوین در دوره‌های گذشته باقی مانده است تقریباً مشابه زبان اشعار بِنْدَار است.

مؤلفانی که زبان مادری آنها یکی از گویش‌های دیگر غیر از فارسی است معمولاً در نگارش - به ویژه در استفاده از واژه‌ها - تحت تأثیر زبان مادری خود قرار می‌گیرند. شیخ عبدالجلیل نیز این قاعده مستثنی نیست. در نقص گاهی به لغات و شکل‌هایی برمی‌خوریم که در متون دیگر فارسی - به ویژه آنهایی که در خراسان نوشته شده‌اند - دیده نمی‌شود. از این جهت حدس زده می‌شود که این واژه‌ها و شکل‌ها مربوط به زبان مادری شیخ عبدالجلیل یا زبان رازی باشد. در این گفتار اینگونه واژه‌ها و صورت‌ها را از نقص استخراج و دسته‌بندی کرده‌ایم و گاه آنها را با واژه‌ها و شکل‌هایی که در متون دیگر که در ری نوشته شده است مقایسه کرده‌ایم.

یکی از کاربردهای خاص گویش قدیم ری که در گویش‌های مجاور و هم خانواده و نیز در گیلکی و مازندرانی و سمنانی هم دیده می‌شود کاربرد پیشوند فعلی «ها» است. این پیشوند در اصل صورتی از پیشوند «فرا» است در افعال گاهی می‌توان به جای آن «فرا» و «ب» گذاشت. مثال‌های این پیشوند در نقص عبارتند از:

ها افتادن (ص ۱۱۶)

ها بریدن (۵۴۷)

ها پذیرفتن (۳۰۲)

ها دادن (۴۳۸، ۴۴۰)

ها داشتن (۳۰۲، ۵۶۵، ۵۶۶)

ها نمودن (۴۳۰، ۴۴۳، ۶۲۹)

ها نهادن (۵۷۶، ۵۸۱)

یادآوری می‌گردد که مؤلف در جنب این صورت‌ها، صورت‌های با «فرا» را نیز به کار برده است.

دیگر اضافه شدن آوای «ه» h به آغاز بعضی کلمات است که با مصوت a شروع می‌شوند، مانند «هما» به معنی «ما» که از پهلوی a m a «اما» گرفته شده و در ص ۳۳۹ ح. (مأخوذ از نسخهٔ ع



کتاب «بعض مثالب النواصب فی نقص فضائح الروافض» معروف به «النقص» که استاد دانشمند ما مرحوم دکتر جلال‌الدین محدث ارموی دو بار آن را با حواشی و تعلیقات مفصل چاپ کرد یکی از نفیس‌ترین کتاب‌هایی است که در زبان فارسی باقی مانده است. اطلاعاتی که این کتاب دربارهٔ تاریخ اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و جغرافیای شهر ری در قرون پنجم و ششم به دست می‌دهد، در هیچ متن دیگری موجود نیست. نام بسیاری از دانشمندان شیعه و نام شماری از معاریف ری فقط در این کتاب آمده است و بس. نام بسیاری از تألیفات علمی و مذهبی دانشمندان شیعه را نیز در این کتاب می‌بینیم که در جای دیگر به آنها اشاره نشده است. همچنین نام بسیاری از محله‌ها و کوچه‌های ری فقط و فقط در این کتاب باقی مانده است. نام بسیاری از مدارس ری، قم، ساوه و کاشان نیز در کتاب آمده که در جای دیگر نیست. اینها خود موضوع تحقیقات جداگانه‌ای هستند که قصد من در اینجا پرداختن به آنها نیست. در این گفتار من به ویژگی‌های زبانی کتاب «النقص» می‌پردازم. می‌دانیم که مؤلف این کتاب اهل ری بوده است. در آن زمان‌ها هنوز در ری به گویش خاصی صحبت می‌شده که زبان رازی نامیده می‌شده است. البته این گویش به سبب آنکه ری بر سر راه‌های اصلی ایران قرار داشته، با

## اطلاعاتی که این کتاب درباره تاریخ اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و جغرافیای شهری در قرون پنجم و ششم به دست می‌دهد، در هیچ متن دیگری موجود نیست

### نام بسیاری از تألیفات علمی و مذهبی دانشمندان شیعه را در این کتاب می‌بینیم که در جای دیگر به آنها اشاره نشده است

۱۷، ۵۰، ۵۶، ۶۳، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۵۰، ۲۰۷، ۳۰۱، ۳۵۱ و غیره به سنی ۵۰، ۵۶، ۴۱۵، ۴۵۳، ۴۶۰؛ نمایی ۸۶؛ شیعی ۱۲۱، ۱۸۷، ۲۰۷؛ حنفی ۱۲۲، ۱۲۳؛ باطنی ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۴۴، ۲۰۶، ۲۹۱ فلسفی ۲۷۱؛ ناصبی ۱۵۰، ۱۶۵، ۲۹۴؛ دهری ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲. اما وقتی می‌خواهد بیا نسبت به کلمه شافعی که خود مختوم به یاء است اضافه کند خود این کلمه را تغییر داده و به صورت شفعوی درآورده است (ص ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۲۱، ۱۷۹، ۳۴۴، ۳۴۹). دیگر از ویژگیهای زبان این کتاب کاربرد پسوند «-ان» نسبت با بنوت است که به دنبال نام پدر اشخاص الحاق می‌شود، مانند موارد زیر: محمدچهار بختان ۲۳؛ علی حسینیان ۳۸، ۲۰۹؛ حسین وکیلان ۱۲۵؛ محسن خالدان ۱۲۹؛ اسماعیل احمدان ۱۲۹؛ اسماعیل با احمدان ۲۰۷؛ بوجعفر عیلان ۱۱۸؛ علی بوطاهران ۲۲۳؛ بختیار زیدان ۲۲۳؛ بوبکر طاهران ۳۲۱؛ علی ابوالقمران ۲۵۳. معلوم می‌شود این پسوند در قرن ششم هنوز در ری زنده بوده است. امروز در قاین این پسوند به صورت -ان زنده است: رضای حسنو.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. این پیشوند فعلی در بسیاری از متونی که در مناطق مرکزی ایران (یعنی در قلمرو گویشهای معروف به مرکزی) یا در سواحل دریای خزر نوشته شده‌اند یا حدس زده می‌شود در این مناطق نوشته شده‌اند یا لاقلاً کاتبان آنها مربوط به این نواحی بوده‌اند به کار رفته است، از جمله در متون زیر: تفسیر ابوالفتوح، شرح فارسی شهاب‌الخبار (چاپ مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه)، ترجمه فارسی نهج‌البلاغه (چاپ دکتر عزیزالله جوینی)، ترجمه فارسی المدخل الی علم احکام النجوم (چاپ جلیل اخوان زنجانی، نشر میراث مکتوب)، ترجمه قرآن مورخ ۵۵۶، ترجمه فارسی النهایه شیخ طوسی (چاپ مرحوم دانش‌پژوه)، اسکندرنامه، بحرالوفوائد، ترجمه فارسی شرف‌النبی و غیره. در بسیاری از شهرها و روستاهای قلمرو گویشهای مرکزی، مانند ساوه، قم و... و نیز مازندران هنوز این پیشوند به کار می‌رود.
۲. صورت «هما» به جای «ما» در ترجمه النهایه شیخ طوسی، چاپ دانش‌پژوه، ج ۳، ص ۹۴۲ نیز به کار رفته است.
۳. این ویژگی در بعضی از ترجمه‌ها و تفسیرهای دیگر قرآن که بعضی از آنها در خراسان نوشته شده‌اند نیز دیده می‌شود. امروز در منطقه بیرجند و قاینات این خصوصیت زنده است. (رک. محمد مهدی ناصح - محمدجعفر یاقی، «اصلی در تصحیح انتقادی تفسیر ابوالفتوح رازی»، مشکوه، شماره هشتم، زمستان ۱۳۶۳، ص ۲۵-۹).

که قدیمترین نسخه کتاب است) به کار رفته است. کلمه «هنار» به جای انار که در ص ۱۲۱ آمده نیز مربوط به همین موضوع است. این صورت در قرآن مورخ ۵۵۶ که در اطراف ری نگاشته شده (در ص ۱۲۸) به کار رفته است. استعمال کلمه «هست» به جای «است» در ص ۴۷، ص ۴ نیز احتمالاً مربوط به همین مسئله است. بعضی از کلماتی که در پهلوی با  $\gamma$  (یا  $\bar{W}$ ) آغازی به کار رفته‌اند و در فارسی  $\gamma$  (یا  $\bar{W}$ ) «و» به  $\beta$  «ب» بدل شده در نقض یا «و» به کار رفته‌اند، مانند «ورده» به جای «برده» (در ص ۲۱۷) کلمه «آستین» در این کتاب یک بار به شکل «آوستی» (ص ۳۸۴) و بار دیگر به شکل «اوستین» (ص ۵۵۷) به کار رفته است. صورت اخیر با شکل «اوستیم» که در برهان قاطع ضبط شده نزدیک است. این شکلها نیز بی‌شک مربوط به گویش محلی شیخ عبدالجلیل بوده است.

همچنین کلمه «درویش» چندین بار به صورت «در غویش» به کار رفته است (ص ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶ در سه مورد اخیر باغ مهمله که غلط کاتب است، ۶۲۳). این کلمه به همین صورت و نیز به صورت در غوش در شرح شهاب‌الخبار نیز به کار رفته است و پیداست که این از ویژگیهای زبان منطقه ری است.

دیگر از ویژگیهای زبان این کتاب حذف «د» از شناسه دوم شخص جمع است: بیاری (بیارید) ۴۱، ۴۲؛ بداری (= بدارید) ۱۶۳؛ مکنی (= مکنید) ۵۹؛ اختیار کنی (= اختیار کنید) ۵۹ و غیره. از ویژگی در تفسیر ابوالفتوح رازی و قرآن ۵۵۶ ری دیده می‌شود و ظاهراً از مختصات زبان مردم ری بوده است.

مؤلف بعضی کلمات عربی را نیز به صورت خاصی به کار می‌برد که ظاهراً در ری متداول بوده است. مثلاً ترکیب «انزله کردن» (ص ۱۷۸) را به معنی نازل کردن و فرو فرستادن آیه قرآن و انزله بودن را به معنی نازل شدن (ص ۱۷۹، ۱۸۰) به کار برده است. از کاربرد مکرر این اصطلاح به همین صورت در تفسیر ابوالفتوح معلوم می‌شود که انزله خاص زبان رازی بوده است. همچنین «حث» به معنی برانگیختن را به شکل «حته» در ترکیب «حته کردن» (ص ۲۴۸) به کار برده است. که در شرح شهاب‌الخبار (ص ۱۸، ۱۹، ۱۱۱) نیز به همین صورت آمده است. نیز «نص» را به شکل «نصوصیت» به کار برده که در جای دیگری به نظر نگارنده نرسیده است.

کاربرد پسوند یاء مصدری نیز در نقض جالب توجه است. مؤلف در الحاق یاء مصدری (یا مصوت  $\bar{i}$ ) هیچ صامت میانجی به کار نبرده و این دو یاء (یعنی دو مصوت را پشت سرهم آورده است)، مانند خارجی ص ۳۱، ۱۵۰، ۱۶۵، ۱۷۵، ۲۹۰، ۳۴۴ و غیره به رافضی